

# تجلی امام حسین علیه السلام در قرآن

دکتر محمد جواد سلمانپور

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

امام حسین علیه السلام از آیات روشن خداوند متعال در عالم است و در آیات متعددی از قرآن حکیم تجلی نموده است. بنا به روایات مأثوره معصومین (علیهم السلام) باطن تمام آیات و تمام آیاتی که در شأن ائمه اطهار (علیهم السلام)، اهل بیت (علیهم السلام) و حسنین (علیهم السلام) نازل گردیده است به روشنی بر حسین علیه السلام دلالت دارند. البته، آیات متعددی نیز به طور خاص در شأن آن حضرت علیه السلام می‌باشد و پیامبر (ص) یا ائمه (علیهم السلام) به آن حضرت تأویل نموده اند.

در این مقاله، آیات امام حسین علیه السلام به پنج دسته تقسیم شده و از چهار دسته که به آن حضرت علیه السلام در ضمن ائمه (علیهم السلام)، اهل بیت (علیهم السلام) و یا حسنین (علیهم السلام) اشارت دارند به ذکر چند نمونه اکتفا شده، اما سعی شده است، نوع پنجم که خاص امام حسین علیه السلام است با ذکر روایات تفسیری مورد بررسی قرار گیرد. کلید واژه ها: قرآن، امام حسین، سیره

۱- مقدمه

۱-۱- سرّ عدم تصریح به نام حسین (علیه السلام) در قرآن

حسین علیه السلام مظهر کلمات تامه پروردگار است. در تلاش پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام برای توجه دادن امت اسلامی به حسین علیه السلام راز و اسرار، نهفته

است. بسا، یکی از مهمترین آن اسرار همین باشد که حسین علیه السلام آشکارترین آیات الهی و پر فروغ ترین مظهر پروردگار روی زمین و در آسمان است.

بر اساس این راز چگونه قابل تصور است که نام و نشان آن حضرت در آیات کتاب الهی یعنی قرآن حکیم نیامده باشد؟! بله! سنت حفظ قرآن «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» اقتضا می‌کند که نام حسین علیه السلام به صراحت و به نص در قرآن نیاید، چرا که در این صورت، این دسته از آیات را، مانند خود حسین علیه السلام که قرآن ناطق بود و شهیدش کردند و سرش را بر نیزه کردند، با شمشیر نیرنگ از میان بر می‌داشتند و قرآن را بر نیزه تحریف می‌کردند، چنانکه کلمات صریح و نص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام حسین علیه السلام زیر پا گذاشته شد و کتمان گردید.

بنابراین، جمع آن راز و این سنت، چنین است که نام و نشان حسین علیه السلام در باطن آیات متعدد قرآن، آمده باشد. اگرچه بر اهل بصیرت، برخی از آن نام و نشان‌ها در آیات، ظهور بلکه صراحت دارد و نزد اهل معنی و باطن، آیات حسین علیه السلام در میان آیات قرآن، همانند خورشید می‌درخشد.

آیات مربوط به حسین علیه السلام را می‌توان به چند نوع تقسیم و ارائه نمود. ۱- از آنجا که طبق گفته معصومین تمام آیات در شأن ائمه یا دشمنان آنان است، باز به طور ضمنی بر امام حسین علیه السلام دارد. ۲- آیاتی که در شأن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. ۳- آیاتی که خاص امام حسین علیه السلام می‌باشد. این سه دسته آیات یا ظهور در مطلب دارند و یا بر اساس تفسیر باطنی ائمه علیه السلام و تأویل معصومین به مطلوب دلالت دارند. آنچه در این مقاله مد نظر می‌باشد طرح آیات نوع سوم که خاص امام حسین علیه السلام است می‌باشد و به نمونه‌هایی از آیات نوع اول تا سوم اشاره شده است. روش مقاله نیز بر اساس اسلوب تفسیری قرآن به سنت می‌باشد.

#### ۱-۲ تجلی امام حسین علیه السلام در تمام آیات قرآن

در روایات متعددی از معصومین آمده است که تمام قرآن یا در شأن و منزلت علی (علیه السلام) و امامان بعدی است و یا در شأن دشمنان علی علیه السلام و امامان بعدی است.

علی (علیه السلام) می فرماید: «فانزلوهم بأحسن منازل القرآن» (نهج البلاغه، خطبه ۸۵) اهل بیت در بهترین منازل از قرآن قرار دارید و عالی ترین درجه از درجات قرآن را در وجود آنها مشاهده می کنید و وجود آنان را در بهترین منازل و آیات قرآن بیابید.

حضرت می خواهد بگوید؛ تمام آیات کریمه قرآن که در خصوص زیباییها، نورها، هدایت، صالحین... می باشد، امامان و علی علیه السلام را در آینه آن آیات بنگرید.

حضرت در جای دیگر می فرماید: «فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن ان نطقوا صدقوا و ان صمتوا لم یسبقوا لله» آیات کریمه قرآن همه در شأن و منزلت اهل بیت است [و اهل بیت ترجمه و تفسیر آیات اند]. آنان گنجینه های پروردگار رحمن می باشند (همان خطبه ۱۵۳) مسلماً سایر آیات که بیان صفات ها، شقاوت ها و خباثت ها می باشد، در شأن دشمنان آنان است.

مرحوم کلینی از محمد بن منصور از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که وی درباره قول خداوند حکیم می فرماید: «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن، فجمع ما حرم الله فی القرآن و هو الظاهر و الباطن من ذلک ائمه الجور. و جمیع ما احل الله تعالی فی الکتاب هو الظاهر و الباطن من ذلک ائمه الحق» (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۲) حضرت می فرماید: برای قرآن، ظاهر و باطنی است، همه آنچه خدا در قرآن حرام کرده، ظاهر قرآن است و باطن آن دسته آیات، پیشوایان و خلفای جور و باطلند که دشمنان ائمه حقند و آنچه خدای تعالی در قرآن حلال فرموده است ظاهر قرآن است و باطن آن پیشوایان حق و ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند. مثلاً «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر»؛ ظاهر آن نماز یومیه است اما در تأویل آن روایات بسیاری است که مراد، علی علیه السلام یا حسین علیه السلام است. یعنی: ان امیرالمؤمنین او اباعبدالله علیه السلام تنهی عن الفحشاء و المنکر. همینطور آیاتی که راجع به روزه، خمس، انفاق، زکات، حج، عقل، تقوی، عمل صالح و بهشت... است، همه باطن علی، حسین و ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند و آنجا که حرم الربا فرموده، در باطن، دشمن، آنان (علیهم السلام) است هکذا شراب، قمار، فحشاء، زنا، قتل، جهل و... همه در باطن دشمنان علی و حسین علیهما السلام است.

جمیع آیات یا درباره فطرت است یا درباره طبیعت یا درباره نور است یا درباره ظلمت و نمی توان نور، ظلمت، فطرت، طبیعت، را شناخت مگر به تأویل، یعنی شناخت نمی شود، مگر

با شناخت علی علیه السلام و حسین علیه السلام و دشمنان او. قرآن با علی و حسین علیهما السلام حرف می‌زند کما اینکه از مجرای دشمنان علی علیه السلام و حسین نیز بر ما نمایان می‌شود و این است که علی و حسین علیهما السلام و سایر ائمه (علیهم السلام) قرآن ناطق و میزان معیار فهم قرآن اند.

بدین ترتیب تمام آیات قرآن یا به امام حسین علیه السلام تأویل می‌شود یا به دشمنان وی.

### ۳-۱- تجلی امام حسین در آیات امامت و امامان علیهم السلام

بسیاری از آیات قرآن یا به صراحت، یا به طور تضمینی و یا با تأویل از ناحیه معصومین علیهم السلام دلالت بر امامان یا امامت معصومین علیهم السلام می‌کند و از آنجا که امام حسین علیه السلام یکی از امامان معصوم و امامت وی از مسلمات اسلام ناب است، تمام این آیات به طور ضمنی یا به تأویل بر امام حسین علیه السلام دلالت می‌کند.

حجت الاسلام دکتر ولی اله نقی پورفر براساس اسلوب تفسیر قرآن به قرآن قریب ۱۴ آیه از آیات شریفه را درباره ائمه اطهار از جمله امام حسین علیه السلام دانسته و اثبات کردند (ر. ک: بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روش قرآن به قرآن).

- ۱- امام امت عابد (حمد آیه ۵) ۲- دوازده چشمه دین (بقره آیه ۶۰) ۳- امامت کبری (بقره آیه ۱۲۴) ۴- صاحبان فرمان (نساء آیه ۵۹) ۵- کمال دین (مائده آیه ۳) ۶- دوازده نقیب و راهبر (مائده آیه ۱۲) ۷- ولی عاشقان (مائده آیه ۵۵) ۸- قضات محشر (اعراف آیه ۴۶) ۹- منصوب الهی (اعراف آیه ۱۵۵) ۱۰- نور خدا (توبه آیه ۳۲) ۱۱- عباد الرحمن (فرقان آیه ۶۳) ۱۲- مقصد روح و ملک (قدر آیه ۴) ۱۳- رسالت‌مندان الهی (آل عمران آیه ۱۰۱) ۱۴- هادیان الهی (رعد آیه ۷).

افزون بر این آیات، براساس اسلوب تفسیر قرآن به سنت آیات بی شماری از قرآن در شأن ائمه اطهار از جمله امام حسین علیه السلام است که معصومین (علیه السلام) در احادیث تفسیری خود آن آیات را به ائمه اطهار یا امامت آنها تطبیق و تأویل نموده اند. البته برخی از آیات صراحت یا ظهور در امامت یا ائمه اطهار دارند که بررسی آنها از مجال مقاله خارج است. در عین حال برخی از این آیات در اینجا به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. پر واضح است که چون هدف اصلی مقاله طرح آیتاتی است که خاص امام حسین علیه السلام است از آوردن تمام آیات ائمه

علیهم السلام خودداری شده و برای نمونه های هم که ذکر شده روایت تفسیری یا نیامده و یا به اختصار و آدرس آنها اکتفا شده است.

### ۱- آیه مصابره و مرابطه

«یا ایها الدینء امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آوردید! شکیبا باشید و یکدیگر را به شکیبایی و مقاومت سفارش کنید! و مراقب کار دشمن باشید! و از خداوند بترسید تا رستگار گردید. محمد بن ابراهیم بعد از هفت واسطه از امام محمد باقر علیه السلام و ایشان از پدرش امام علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند: «عبدالله بن عباس کسی را نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از ایشان سؤال کند، امام در جواب شخص سائل فرمود: خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده مواجه می شدم تا به خودش می گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره؟ ما اهل بیت و پدرم نازل شد.<sup>۱</sup>

### ۲- آیه من عنده علم الكتاب

«و یقول الدین کفروا لست مرسلأ قل کفی بالله شهیدأ بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب» (رعد آیه ۴۳)

کسانی که کافر شده اند می گویند: تو پیامبر نیستی! بگو تنها گواه میان من و شما ذات پروردگار است و نیز کسانی که عالمان واقعی به کتاب خدا هستند. بعضی از مفسرین عامه، مراد از: من عنده علم الكتاب، را علی بن ابی طالب و ائمه بعد از او، از جمله امام حسین علیه السلام ذکر نموده اند، آن هم بنا به روایتی از اعمش که او از ابوصالح و وی نیز از ابن عباس نقل نموده است. همچنین این مطلب از علی بن عباس هم روایت گردیده است.<sup>۲</sup> در تفاسیر شیعی روایات متعددی آمده و تصریح دارند که مراد آیه ائمه اطهار علیهم السلام می باشد.<sup>۳</sup>

### ۳- آیه اولی الامر

«و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء آیه ۵۹)

و خدا و رسول و اولی الامر را پیروی و اطاعت نمایید. منظور از اولی الامر، ائمه از اهل بیت

رسول خدایند [که امام حسین یکی از ائمه اهل بیت است] و این موضوع از امام باقر و صادق علیهما السلام است. مرحوم محدث بحرانی قریب ۳۲ روایت نقل می‌کند که منظور از اولی الامر منکم ائمه اطهار از جمله امام حسین علیه السلام است (البرهان، ج ۱ و ر. ک: تفسیر مفاتیح الغیب از عامه و روح الجنان و مجمع البیان و البرهان از خاصه)

#### ۴- آیه بقاء رحم و نسب

«... و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً» (نساء آیه ۱) و بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر در خواست می‌نمایید و درباره خویشاوندان [کوتاهی نورزید] که همانا خداوند مراقب [اعمال و رفتار] شما است. ابن شهر آشوب از مرزبان، او از کلبی، او از ابوصالح و او نیز از ابن عباس روایت کرده است که این قسمت از آیه، درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او نازل گردیده، زیرا تمام خویشاوندی سببی و نسبی در روز قیامت منقطع می‌شود جز خویشاوندی نسبی و سببی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد.<sup>۴</sup> و یکی از اهل بیت، حسین بن علی علیه السلام است..

#### ۵- آیه اعراف

«و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیماهم» (اعراف آیه ۴۶) و بین آنها [اهل بهشت و اهل جهنم] حجابی است و بر اعراف [جایگاه میان دوزخ و بهشت] مردانی هستند که همه را به چهره هایشان می‌شناسند. برید بن معاویه العجلی می‌گوید: «از امام باقر علیه السلام درباره این آیه سؤال کردم، فرمود: درباره امت پیامبر اسلام نازل گردیده و منظور از رجال، ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند.<sup>۵</sup> که حسین بن علی علیه السلام از زمره آنان می‌باشد. از ناحیه معصومین (علیهم السلام) روایات دیگری به همین مضمون رسیده است.<sup>۶</sup>

#### ۶- آیه صبر

«سلام علیکم بما صبرتم و نعم عقبی الدار» (رعد آیه ۲۴)  
درود و سلام بر شما باد که [در عبادت و طاعت خدا] صبر کردید تا سرانجام جایگاهی نیکو

یافتید. جمیل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که این آیه درباره ائمه اطهار (علیهم السلام) که امام حسین علیه السلام از زمره آنان است نازل گردیده است.<sup>۷</sup>

#### ۷- آیه محبتین

«فإلهمك الله واحد فله اسلموا و بشر المحبتين الذين إذا ذكر الله و جلت قلوبهم و الصابرين على ما أصابهم...» (حجج آیه ۳۴، ۳۵)

پس معبود شما پروردگار یکتا است، پس همه تسلیم فرمان او باشید و تو را ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به متواضعان و فروتنان بشارت ده، آنهایی که چون یاد خدا شود، دل هایشان هراسان شده و هر چه مصیبت بینند، شکیبیا هستند.

امام کاظم علیه السلام فرمود: منظور از محبتین که در آیه آمده، ما اهل بیت هستیم [که امام حسین علیه السلام از زمره آنان است].<sup>۸</sup>

#### ۸- آیه شهور

«ان عدہ الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن انفسكم» (توبه، آیه ۳۶).

امام باقر (علیه السلام) دوازده ماه در آیه را به علی (علیه السلام) تا امام عصر (عج) از جمله امام حسین (علیه السلام) تاویل می فرمایند.<sup>۹</sup>

#### ۹- آیه متوسمین

«ان فی ذلك لآیات للمتوسمین و انها لبسیل مقیم» (حجر، آیه ۷۵ و ۷۶)

... امام رضا علیه السلام می فرمایند: فاول المتوسمین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ثم امیرالمومنین من بعده ثم الحسن و الحسين علیهما السلام و الائمة من ولد الحسين الی یوم القیمه.<sup>۱۰</sup>

#### ۱۰- آیه وارثان کتاب

«... ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا...» (فاطر آیه ۳۲)

بحرانی قریب ۲۰ روایت نقل می‌کند که آیه مربوط به ائمه اطهار (علیهم السلام) است.<sup>۱۱</sup>

#### ۱۱- آیه آل یاسین

«سلام علی ال یاسین» (صافات آیه ۱۳۰)

بحرانی قریب ۱۵ روایت نقل می‌کند که مراد از یس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل یاسین فرزندان محمد و ائمه اطهار (علیهم السلام) از جمله امام حسین علیه السلام می‌باشد.<sup>۱۲</sup>

#### ۱۲- آیه زحزح عن النار

«فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز» (آل عمران، آیه ۱۸۵)

امام صادق علیه السلام آیه را مربوط به ائمه راشدین و شیعیان دانسته و به آنان تأویل و تفسیر کرده است.<sup>۱۳</sup>

#### ۱۳- آیه نهی از قتل نفس

«... ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً» (سوره نساء آیه ۲۹)

اهل سنت و از ابن عباس نقل کرده اند که مقصود آیه از انفسکم در آیه اهل بیت (علیهم السلام) است. قال: لا تقتلوا اهل بیت نبیکم ان الله یقول فی کتابه «قل تعالوا ندع ابناءنا و ابنائکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم» قال کان ابناء هذه الامه الحسن و الحسین علیهما السلام و کان نساوهم فاطمه علیها السلام و انفسکم النبی صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام.<sup>۱۴</sup>

#### ۱۴- آیه اتباع ذریه

«والذین امنوا و اتبعتم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم و ما التناهم من عملهم من شیء کل امری بما کسب رهین» (طور آیه ۲۱)

روایات متعددی الذین آمنوا را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین و ذریه را



امامان و اوصیاء علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام معرفی کرده اند.<sup>۱۵</sup>

#### ۱۵- آیه اطمینان قلب

«الذین امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» (رعد، آیه ۲۸)

روایات متعددی آیه را در شأن شیعیان و ائمه (علیهم السلام) و مراد از ذکر را ائمه هدی بیان کرده اند.<sup>۱۶</sup>

#### ۱۶- آیه اهل ذکر

«فاسئلوا اهل الذکر...» (انبیاء آیه ۷)

علی (علیه السلام) فرمود اهل ذکر ما هستیم.<sup>۱۷</sup> امام صادق (علیه السلام) در روایات متعددی اهل ذکر را آل محمد و ائمه بیان کرده اند.<sup>۱۸</sup>

#### ۱۷- آیه صادقین

«یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (توبه، آیه ۱۱۹)

#### ۱۸- آیه خیر البریه

«...أولئک هم خیر البریه...» (بینه، آیه ۷)

#### ۱۹- آیه حبل الله

«... و اعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا لله» (آل عمران، آیه ۱۰۳)

#### ۲۰- آیه شاهد امت

«... و جئنا بک علی هولاء شهیدا» (نساء آیه ۴۵)

## ۴-۱- تجلی امام حسین علیه السلام در آیات اهل بیت

آیات متعددی به صراحت بر اهل بیت دلالت دارند. البته تمام آیاتی که مرتبط به ائمه اطهار علیهم السلام است در حقیقت مربوط به اهل بیت علیهم السلام می باشد، اما مراد از آیات اهل بیت در اینجا آن دسته از آیاتی است که به طور خاص بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دلالت دارد. این دسته از آیات نیز یا به صراحت و یا به تضمن و یا به تأویل بر اهل بیت دلالت می کنند، لذا همه آنها به طور ضمنی بر امام حسین، علیه السلام دلالت دارند. این قبیل آیات برخی نص در اهل بیت می باشند و تعدادی ظهور دارند و برخی با قرینه دیگر آیات به روش تفسیر قرآن به قرآن دلالت دارند و این قبیل آیات بعلاوه آیات بسیار دیگری در پرتو روایات تفسیری به اهل بیت (علیهم السلام) برمی گردند.

دکتر ولی الله تقی پور در کتاب ارزشمند خود قریب ۳۳ آیه را بر اساس اسلوب تفسیر قرآن به قرآن اثبات و تبیین کرده اند که درباره اهل بیت نبوت از جمله امام حسین (علیه السلام) است: آیات ۱- واسطه فیض (حمد آیه ۱) ۲- صدیقین (حمد آیه ۷) ۳- کتاب ناطق (بقره ۲) ۴- مظاهر اسماء الله (بقره آیه ۳۱) ۵- کلمات الله (بقره آیه ۳۷) ۶- باب ریزش گناه (بقره آیه ۵۸) ۷- امت مسلمه (بقره آیه ۱۲۸) ۸- امت وسط (بقره آیه ۱۴۳) ۹- ابواب دین (بقره آیه ۱۸۹) ۱۰- مخرج از تاریکیها (بقره آیه ۲۵۷) ۱۱- احیاگراموات (بقره آیه ۲۶۰) ۱۲- راسخان در علم (آل عمران آیه ۱۰۳) ۱۳- صاحبان علم (آل عمران آیه ۱۸) ۱۴- داعیان مستجاب (آل عمران آیه ۱۸) ۱۵- جبل الهی (آل عمران آیه ۱۰۳) ۱۶- صاحبان ملک عظیم (نساء آیه ۵۴) ۱۷- وسیله الهی (مائده آیه ۳۵) ۱۸- ذریه پیامبر (انعام آیه ۸۴) ۱۹- ناظران اعمال (توبه آیه ۱۰۵) ۲۰- نجم اهل زمین (نحل آیه ۱۶) ۲۱- اهل ذکر (نحل آیه ۴۳) ۲۲- ترازوهای قسط (انبیاء آیه ۴۷) ۲۳- خانه های نور خدا (نور آیه ۳۶) ۲۴- نگهبانان آسمان دین (فرقان آیه ۶۱) ۲۵- صاحب عصمت کبری (احزاب آیه ۳۳) ۲۶- قرین پیامبر در صلوات (احزاب آیه ۵۶) ۲۷- وارثان برگزیده (فاطر آیه ۳۲) ۲۸- عباد مخلص (صافات آیه ۱۶۰) ۲۹- گواهان محشر (زمر آیه ۶۹) ۳۰- اجر رسالت (شوری آیه ۲۳) ۳۱- السابقون (واقعه آیه ۱۰) ۳۲- قرآن ناطق (واقعه آیه ۷۹) ۳۳- عباد الله (انسان آیه ۶) (ر. ک: بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به

روش قرآن به قرآن).

برخی از آیات فوق و آیات بی شمار دیگری براساس تفسیر قرآن با سنت وجود دارد که ائمه اطهار علیهم السلام آن آیات را دربره اهل بیت نبوت دانسته و به آنان تأویل یا تفسیر کرده اند البته برخی از آن آیات نص در اهل بیت یا ظهور در اهل بیت دارد که برای نمونه چند مورد آن در اینجا ذکر می گردد.

#### ۱- آیه مباهله

«فمن حاجک فیہ من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم وانفسنا و انفسکم ثم نبهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین» (آل عمران آیه ۶۱)

پس هرکس با تو [ای پیامبر] به گفتگو و جدال [درباره عیسی] برخاست، پس از آنکه به دانستن آن آگاه شدی، بگو بیایید [به همراهی] پسران ما و پسران شما و زنان ما و زنان شما [کسانی] از خود ما و از خود شما را بخوانیم، سپس ما و شما به نفرین کردن پردازیم و دوری از رحمت خدا را برای کسانی قائل شویم که از دروغگویانند

این آیه شریفه دلالت دارد که حسن و حسین علیهما السلام دو پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند، زیرا در این آیه که به مسیحیان وعده داده بود پسران خود را همراه آورد حسن و حسین علیهما السلام را آورد.

#### ۲- آیه آل حم

«قل لا أسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری آیه ۲۳)

(ر.ک: کاوشی در مفاد آیه آل حم از دکتر حجتی و قرآن و اهل بیت از دکتر محقق البرهان و در المثنور).

#### ۳- آیه قربی

«... و آت ذا القربی حقه» (اسراء ۲۶)

۴- آیه انفال

«... و اعلموا انما غنمتم من شئ فان الله خمسسه و للرسول و لذی القربی» (انفال آیه ۴۱)

۵- آیه تطهیر

«... انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب آیه ۳۳)  
 مرحوم بحرانی ۶۵ روایت نقل می‌کند که آیه درباره اهل بیت (علیهم السلام) است. (تفسیر البرهان ج ۳ صص ۳۰۹، ۳۲۵). امام سجاد علیه السلام ضمن توقف کوتاه در هنگام ورود به مسجد شام خطاب به پیرمرد شامی آیات فوق را تلاوت می‌کنند و همه را به خودشان و حسین علیه السلام و اسیران تطبیق می‌نمایند.<sup>۱۹</sup>

۶- آیه توبه آدم به کلمات

«.. فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو الثواب الرحیم» (بقره آیه ۳۷)  
 برخی روایات منظور از کلمات را پنج تن آل کساء و توسل به آنها گفته‌اند.<sup>۲۰</sup>

آیه نذر

«یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شره مستطیرا و یطمعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمأ و اسیرأ انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا» (انسان ۷، ۸، ۹)  
 آنان وفای به نذر نموده و از روزی که سختی و شر آن [همه اهل محشر] را فرا می‌گیرد، می‌ترسند و به خاطر دوستی خداوند، مسکین و فقیر و اسیر را اطعام می‌نمایند، [چنین گویند که] ما برای رضا و خشنودی خداوند اطعام می‌نماییم و از شما پاداش و شکرگذاری نمی‌خواهیم.

مفسرین عامه و خاصه روایت کرده‌اند که این آیه درباره علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده، زیرا آنان مسکین و یتیم و اسیر را در سه شب با افطار خود سیر کردند و خود گرسنه ماندند، و خداوند با این آیات آنها را ستایش فرموده و این سوره را به خاطر آنها نازل کرد.<sup>۲۱</sup>

#### ۸- آیه ابتلاء ابراهیم

«... و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال...» (بقره آیه ۱۲۴)

امام صادق علیه السلام در پاسخ مفضل بن عمر که پرسید منظور از کلمات در آیه چیست؟ فرمود کلماتی بود که خداوند به آدم القا نمود و آدم با آنها توبه کرد و آنها عبارت بودند از «یا رب بحق محمد، علی و فاطمه و حسن و حسین».<sup>۲۲</sup>

#### ۵-۱- تجلی امام حسین علیه السلام در آیات حسنین علیهما السلام

برخی آیات به طور تضمینی و یا به تأویل بر امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دلالت می‌کنند. در این صورت دلالت آنها بر امام حسین علیه السلام بسیار روشن است.

#### ۱- آیه فجر

«و الفجر و لیل عشر و الشفع و الوتر...» (فجر، آیه ۱-۴)

در روایتی شفع به امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام تأویل شده است. در حدیث دیگر آمده است، الشفع الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام و الوتر امیرالمؤمنین علیه السلام.<sup>۲۳</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### ۲- آیه استغفار ابراهیم برای پدر

«ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب» (ابراهیم آیه ۴۱)

امام باقر علیه السلام فرموده: «هذه کلمه صححها الكتاب و ما کان استغفار ابراهیم لابیة الا عن مؤعدة وعدھا آیاه و انما قال رب اغفرلی و لوالدی یعنی اسماعیل و اسحاق و الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام و الله ابنا رسول الله»<sup>۲۴</sup>

#### ۳- آیه معیت با نبیین و صدیقین

«و من یطع الله و الرسول فأولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن أولئک رفیقاً» (نساء آیه ۶۹)

ام سلمه به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و نیز علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه گفته اند مراد از شهدا حسن و حسین علیه السلام هستند.<sup>۲۵</sup>

#### ۴- آیه امامت مستضعفین

«و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» (قصص آیه ۵)

طبق روایتی که مفضل ابن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراد از مستضعفون در آیه را امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می دانستند.

عن المفضل ابن عمر قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نظر الی علی علیه السلام و الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام فبکی و قال انتم المستضعفون بعدی قال المفضل قلت له ما معنی ذلك یا بن رسول الله؟ قال معناه انتم الائمه بعدی ان الله عزوجل يقول «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین فهذه الایه فینا جاریه الی یوم القیمه»<sup>۲۶</sup>

#### ۲- آیات امام حسین علیه السلام

پنجمین دسته از آیات قرآن درباره امام حسین علیه السلام آیاتی است که خاص آن حضرت علیه السلام است که به شکل های مختلف دلالت بر امام حسین علیه السلام می کنند و حقیقت آن حضرت را برای ما آشکار می سازد. از تبعی که به ویژه در سراسر تفسیر روایی البرهان مرحوم بحرانی به عمل آمد معصومین (علیه السلام) آیات ذیل را به امام حسین علیه السلام تفسیر یا تأویل کرده اند.

#### ۱- شهادت مظلومانه

«... من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً» (اسراء آیه ۳۳) یعنی... و کسی که مظلوم کشته شود ما برای ولی او حکومت و تسلط [بر قاتل] قرار دادیم پس

اولی در مقام انتقام] نباید در قتل اسراف کند که همانا او یاری شده است»  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این قسمت از آیه درباره امام حسین علیه السلام نازل گردیده است.<sup>۲۷</sup>

جابر از امام باقر علیه السلام نیز نقل می‌کند که این قسمت از آیه درباره کشته شدن حسین علیه السلام می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «... ذلک قائم آل محمد یخرج فیقتل بدم الحسین بن علی فلو قتل اهل الارض لم یکن سرفاً و قوله تعالی «فلا یسرف فی القتل» لم یکن لیصنع شیئاً یکون سرفاً! یعنی این آیه می‌فرماید قائم آل محمد ظهور می‌کند، پس به جهت قصاص خون حسین علیه السلام می‌کشد و اگر تمام اهل زمین را از این جهت بکشد اسراف می‌نماید و اینکه خداوند فرمود «اسراف در قتل نکنید» آن حضرت کاری که اسراف باشد انجام نمی‌دهد.<sup>۲۹</sup>

سلام بن المستنیر نیز روایتی به همین مضمون از امام باقر علیه السلام درباره این آیه نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «... هو الحسین بن علی علیه السلام و قتل مظلوماً و نحن اولیاءه و القائم منا اذا قام منا طلب بنار الحسین فیقتل حتی یقال قد اسرف فی القتل و قال الشییء، المقتول الحسین و ولیه القائم و الاسراف فی القتل ان یقتل غیر قاتله انه کان منصوراً فانه لا یذهب من الدنیا حتی ینصر برجل من آل الرسول یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً».<sup>۳۰</sup>

## ۲- آیه عدوان علی الظالمین

«... فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین...» (بقره آیه ۱۹۳)

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام این آیه را درباره نسل و ذریه قاتلان امام حسین علیه السلام دانسته‌اند و به آنها تأویل کرده‌اند. حسن بیاع هروی در روایت مرفوعه‌ای از قول آنان نقل می‌کند: عن احدهما علیه السلام فی قوله تعالی «...فلا عدوان الا علی الظالمین...» قال: الا علی ذریه قتله الحسین علیه السلام.<sup>۳۱</sup>

سماعه ابن مهران در روایت دیگری از قول امام صادق علیه السلام ظالمین را در آیه مزبور بر

اولاد قاتلان امام حسین علیه السلام تطبیق و تفسیر نموده است. ۳۲

علی بن ابراهیم در حدیث مرفوعه دیگری از امام صادق علیه السلام حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: «... لا یتعدی الله علی احد الا علی نسل قتله الحسین علیه السلام. ۳۳»

عبدالسلام بن صالح هروی در تبیین روایت امام صادق علیه السلام حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل نموده که، قلت: لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام یا بن رسول الله ما تقول فی حدیث روی عن الصادق علیه السلام انه قال اذا قام القائم علیه السلام قتل ذراری قتله الحسین بفعل آبائها؟ فقال هو كذلك. قلت: فقول الله عزوجل «و لا تزر وازره وزر اخری» ما معناه؟ فقال: صدق الله فی جمیع اقواله، لکن ذراری قتله الحسین علیه السلام یرضون فعال آبائهم و یفتخرون بها و من رضی شیئاً کان کمن آتاه. ولو أن رجلاً قتل فی المشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان الراضی عند الله عزوجل شریک القاتل و انما یقتلهم القائم اذا خرج لرضاهم بفعل آبائهم. قال، فقلت له بأی شیء یدء القائم فیکم؟ قال یدء بنی شیبه و یقطع ایدیهم لانهم سراق بیت الله. ۳۴

### ۳- آیه یهود امت قاتلان حسین (علیه السلام)

«و اذ اخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم و لا تخرجون انفسكم من دياركم ثم اقرتم و انتم تشهدون ثم انتم هولاء تقتلون انفسكم و تخرجون فريقا لله اولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالآخرة...» (بقره آیات ۸۴-۸۶)

در تفسیر این سه آیه روایتی طولانی از امام عسکری علیه السلام نقل شده است. در ضمن روایت حضرت از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیانی نقل می کنند که آیه به یهود امت اسلام یعنی قاتلین امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام تأویل شده است. بیان شریف رسول اکرم (ص) چنین است: فقال رسول الله (ص) لما نزلت هذه الآية فی اليهود. هولاء اليهود تقضوا عهد الله و کذبوا رسل الله، و قتلوا اولیاء الله. أفلا أنبئکم بمن یضاهیهم من یهود هذه الامه؟! قالوا بلی یا رسول الله! قال: قوم من امتی یقتلون أفاضل ذریتی و اطائب ارومتی و یدلون شریعتی و سنتی و یقتلون ولدی الحسن علیه السلام و الحسین



علیه السلام كما قتل اسلاف هؤلاء اليهود زكريا ويحيى، الا وإن الله يلعنهم وبيعث على بقايا ذراريهم قبل يوم القيامة هادياً مهدياً من ولد الحسين المظلوم عليه السلام يجرفهم بسيف اوليائه الى نار جهنم الا ولعن الله قتله الحسين عليه السلام ومحبيهم وناصريهم والساكين عن لعنهم من غير تقيه...<sup>۳۵</sup>

#### ۴- آیه اذن مقاتله

«اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وأن الله على نصرهم لقدير. الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله...» (حج آیه ۳۹)

آیه شریفه در شأن رسول الله (ص)، علی علیه السلام، جعفر و حمزه نازل شده است، در عین حال روایات متعددی از ائمه علیه السلام به طور صحیح نقل شده که آیه را به امام حسین علیه السلام تأویل نموده اند و بر آن حضرت علیه السلام تطبیق داده اند. از جمله روایات سخن امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که در ذیل نقل شده است.

۱- عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله تبارک و تعالی «الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله...»، قال: نزلت فی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی و جعفر و حمزه و جرت فی الحسين علیه السلام.<sup>۳۶</sup>

۲- ضریس عن جعفر علیه السلام قال، سمعته يقول: اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا ان الله علی نصرهم لقدير، قال: الحسن و الحسين علیه السلام.<sup>۳۷</sup>

۳- ابی خالد کابلی نیز روایتی به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نقل می کند.<sup>۳۸</sup>

۴- امام صادق علیه السلام نیز درباره آیه می فرماید: العامه یقولون نزلت فی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لما اخرجته قریش من مکه و انما هو القائم علیه السلام، اذا خرج یطلب بدم الحسين علیه السلام و هو قوله: نحن اولیاءکم فی الدم و طلب الدیه...<sup>۳۹</sup>

۵- علی ابراهیم نیز در تفسیر خود درباره آیه الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق می فرماید: قال الحسين علیه السلام حين طلبه یزید لعنه الله لیحملة الى الشام فهرب الى الكوفة و قتل بالطف.<sup>۴۰</sup>

۵- آیه افساد مرتین بنی اسرائیل

«و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرتین و لتعلن علواً کبیراً» (اسراء آیه ۴ و ۵)

امام صادق علیه السلام فقره «و لتعلن علواً کبیراً» از آیه را به قتل امام حسین علیه السلام تأویل و تفسیر نموده است.

عن صالح بن سهل عن ابی عبدالله فی قوله عزوجل «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرتین»، قال: قتل امیرالمؤمنین و طعن الحسن بن علی علیه السلام و لتعلن علواً کبیراً عبداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار» قوما یبعثهم الله قبل قیام القائم لا یدعون و ترأ لآل محمد الا احرقوه و کان وعد الله مفعولاً.<sup>۴۱</sup>

عبدالله قاسم البطل همین روایت با دنباله آن را از امام صادق علیه السلام نقل می کند.<sup>۴۲</sup>

۶- آیه کره

«ثم ردنا لکم الکره علیهم و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیراً» (اسراء آیه ۶)  
امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام این آیه را در باره رجعت دانسته اند و فرموده اند: اولین کسی که به این دنیا رجعت می کند امام حسین علیه السلام است. در این صورت مصداق اتم و اول این آیه امام حسین علیه السلام می باشد.

عن زید الشحام عن ابی عبدالله علیه السلام قال، سمعنا یقول: ان اول من یکر فی الرجعه الحسین بن علی علیه السلام مکث فی الارض اربعین الف سنه حتی یسقط حاجباه علی عینیه من کبره.<sup>۴۳</sup>

عن حمران بن اعین عن ابی جعفر علیه السلام قال: ان اول من یرجع لجارکم الحسین بن علی علیه السلام فیملک حتی یقع حاجباه علی عینیه.<sup>۴۴</sup>

۷- آیه رجعت

«ان الذین فرض علیک القرآن لرادک الی معاد» (قصص آیه ۸۵)  
اتمه علیه السلام این آیه را نیز درباره رجعت دانسته اند.<sup>۴۵</sup> و امام صادق علیه السلام امام

حسین علیه السلام را اولین مصداق آیه معرفی کرده اند که به دنیا رجعت می نماید.  
عن المعلى بن خنيس، قال ابو عبد الله عليه السلام اول من يرجع الى الدنيا الحسين بن علي عليه السلام فيملك حتى يسقط حاجباه على عينه من الكبر. قال، فقال ابو عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل «ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد» فقال بينكم راجع اليكم.<sup>۴۶</sup>

#### ۸- آیه رجعت

«انا لننصر رسلنا و الذين آمنوا في الحيوه الدنيا و يوم يقوم الاشهاد» (مؤمن آیه ۵۱)  
ائمه عليه السلام اين آیه را نيز مرتبط به رجعت دانسته اند.<sup>۴۷</sup> و امام باقر عليه السلام اين آیه را بر امام حسين عليه السلام تطبيق داده اند و آن حضرت را مصداق اتم اين آیه معرفی کرده اند.  
عن ابى بصير عن ابى جعفر عليه السلام قال، تلا هذه الايه «انا لننصر رسلنا...» قال عليه السلام: الحسين بن علي عليه السلام منهم و لم ينصر بعد ثم قال: و الله لقد قتل قتله الحسين و لم يطلب بدمه بعد».<sup>۴۸</sup>

#### ۹- آیه رجعت

«يوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه...» (نازعات آیه ۶ و ۷)  
امام صادق عليه السلام اين آیه را هم مربوط به رجعت دانسته و می فرماید: منظور از «الراجفه» در آیه امام حسين عليه السلام و مراد از «رادفه» علی عليه السلام است و اولین کسی که قبر او شکافته می شود و خاک را از سر خود پاک می نماید و مجدداً به دنیا رجوع می کند حسين بن علي عليه السلام است.

عن سليمان بن خالد العاقولي، قال، قال ابو عبد الله عليه السلام في قوله: يوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه» قال الراجفه الحسين بن علي عليه السلام و الرادفه علي بن ابى طالب عليه السلام و اول من ينشق عنه القبر و ينفض عن رأسه التراب الحسين بن علي عليه السلام في خمسه و سبعين الفاً.<sup>۴۹</sup>

۱۰- آیه اسم بی سابقه

«.. لم نجعل له من قبل سمی» (مریم آیه ۷)

آیه با دلالت مطابق بر حضرت یحیی ابن زکریا دلالت می‌کند، در عین حال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آیه را به امام حسین علیه السلام تأویل کرده اند و فرموده اند قبل از حسین علیه السلام نیز کسی به این نام نامبردار نشد، همچنانکه آسمان بر کسی جز برای حضرت یحیی و امام حسین علیه السلام چهل روز گریه نکرد.

عن عبد الخالق بن عبد ربه قال، سمعت ابا عبدالله علیه السلام «لم نجعل له من قبل سمیا» الحسين بن علی علیه السلام لم یکن له من قبل سمیا و یحیی بن زکریا لم یکن له من قبل سمیا و لم تبک السماء الا علیهما اربعین صباحاً قال، قلت: ما بکاؤها! قال: کانت تطلع حمراء و تغرب حمراء. ۵۰

داود بن فرقد و محمد بن علی الحلبي نیز با سند دیگری همین مضمون را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند. ۵۱

عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «لم نجعل له من قبل سمیا» قال: یحیی بن زکریا لم یکن له سمی قبله و الحسين بن علی علیه السلام لم یکن له سمی قبله و بکت السماء علیها اربعین صباحاً و كذلك بکت الشمس علیها و بکاؤها أن تطلع حمراء و تغیب حمراء و قیل ای بکی اهل السماء و هم الملائکه. ۵۲

اهل سنت نیز از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند که آن حضرت آیه را به نور چشم خود امام حسین علیه السلام تأویل نمود.

عن ابی عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی قول الله عز وجل: «لم نجعل له من قبل سمیا» قال ذلك یحیی و قره عینی الحسين علیه السلام. ۵۳

۱۱- آیه بکاء آسمان

«فما بکت علیهم السماء و الارض و ما کانوا منظرین» (دخان ۲۹)

امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح می‌کند که آیه شریفه به طور کنایه و استعاره بر امام حسین

علیه السلام دلالت می کند. امام صادق علیه السلام نیز آیه را به امام حسین علیه السلام تأویل نموده است.

عن ابراهیم النخعی قال، خرج امیرالمؤمنین علیه السلام فجلس فی المسجد و اجتمع اصحاب حوله فجاء الحسین علیه السلام حتی قام بین یدیه فوضع یدیه علی رأسه، فقال یا بنی ان الله عیر اقواماً بالقران فقال «و ما بکت علیهم السماء و الارض و ما كانوا منظرین» و ایم الله لتقتلن من بعدی ثم تبکیک السماء و الارض.<sup>۵۴</sup>

محدث بحرانی چهار روایت دیگر از علی علیه السلام به همین مضمون نقل می کند. مرحوم مجلسی نیز نزدیک به مضمون فوق در روایت دیگری از علی علیه السلام نقل می کند.<sup>۵۵</sup>

محمدبن علی بن حلبی و داودبن فرقد و زراره بن اعین در سه روایت جداگانه از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که آن حضرت آیه را مربوط به حسین علیه السلام دانسته اند.<sup>۵۶</sup>  
عن محمدبن علی الحلبي عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی «فما بکت علیهم السماء و الارض و ما كانوا منظرین» قال لم تبک السماء احداً منذ قتل یحیی بن زکریا حتی قتل الحسین علیه السلام فبکت.<sup>۵۷</sup>

ابن عباس نیز در تفسیر خود آیه را مرتبط به امام حسین علیه السلام دانسته و می فرماید: چون امام حسین علیه السلام کشته می شود آسمان همیشه برای او گریه می کند.<sup>۵۸</sup>  
این تأویل از این آیه در صحیح مسلم نیز آمده است.<sup>۵۹</sup>

## ۱۲- آیه آتش خنک و سلام

«... قلنا یا نارکونی بردا و سلاما علی ابراهیم» (انبیاء ۶۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را خطاب به حسین علیه السلام تلاوت می کند و آتشی را که به فرمان خداوند خنک و سلام می شود و در آیه از آن ذکر شده به جنگی که امام حسین علیه السلام در آن به شهادت می رسند تأویل می نمایند و می فرمایند آیه به شهادت بی درد و شیرین امام حسین علیه السلام در کربلا اشارت دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: امام حسین علیه السلام قبل از شهادت به اصحابش فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: ای فرزندم! تو به سوی عراق خواهی رفت.

انبیاء و اوصیاء با آن سرزمین برخورد داشته اند. تو در آنجا با گروهی از یارانت شهید خواهی شد در حالیکه هرگز سوزش و درد شمشیرها را حس نخواهی کرد بلکه آتش جنگ برای تو سرد و سلام خواهد بود<sup>۶۰</sup> و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت کرد که «قلنا یا نازکونی برداً و سلاماً علی ابراهیم» جنگ برای تو و اصحاب تو خنکی و سلام خواهد بود: پس بشارت باد بر شما چه اینکه کشته شدیم وارد بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهیم شد.<sup>۶۰</sup>

### ۱۳- آیه من ينتظر

«فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر» (احزاب آیه ۲۳)  
 امام حسین علیه السلام در روز عاشورا این آیه شریفه را پس از اذن دادن به هر کدام از اصحاب برای عزیمت به میدان و خداحافظی با آنان تلاوت می نمود و بر هر یک از اصحاب خود تطبیق می داد و تأویل می نمود و خود را از من ينتظر معرفی می کرد.  
 محمدبن ابی طالب و غیره، قال: و کان یأتی الحسین علیه السلام الرجل بعد الرجل فیقول: السلام علیک یا بن رسول الله فیجیبه الحسین علیه السلام و یقول: و علیک السلام و نحن خلفک، ثم یقرأ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر» حتی قتلوا عن آخرهم رضوان الله علیهم و لم یبق مع الحسین الا اهل بینه.<sup>۶۱</sup>

### ۱۴ - آیه امهال زیانبار

«فلا تحسبن الذین کفروا أنما نملی لهم خیراً لأنفسهم... حتی یمیز الخبیث من الطیب» (آل عمران آیه ۱۷۸ و ۱۷۹)  
 در روایات مأثوره از اهل بیت علیه السلام «الذین کفروا» و «الخبیث» در دو آیه شریفه بر یزید و سپاهیان وی تطبیق داده شده و به آنان تأویل گردید و ذیل آیه یعنی «طیب» به امام حسین علیه السلام و اصحابش تأویل و تطبیق داده شده است.  
 امام حسین علیه السلام روز عاشورا این آیه را خطاب به سپاه یزید تلاوت کردند.<sup>۶۲</sup> و حضرت زینب سلام الله علیها در مجلس یزید تلاوت<sup>۶۳</sup> و چنین تفسیر و تأویل کرده اند.

### ۱۵- آیه عاقبت زشت کاران مستهزء

«ثم كان عاقبه الذين اساوا السوءى ان كذبوا بآيات الله و كانوا بها يستهزؤن» (روم آیه ۱۰)  
حضرت زینب (سلام الله علیها) امام حسین علیه السلام و رأس آن حضرت را به آیات الله و عمل زشت یزید در زدن چوب دستی بر لبان حسین علیه السلام و استهزاء وی را بر این آیه تطبیق داده و آیه را به عمل یزید تأویل کرده است.<sup>۶۴</sup>

روی شیخ صدوق من مشایخ بنی هاشم و غیره من الناس انه لما دل علی بن الحسین علیه السلام و حرمة علی یزید لعنته الله، جیء برأس الحسین علیه السلام و وضع یدیه فی طست، فجعل يضرب ثنایاه بمخضره كانت فی یدیه و هو یقول... فقامت زینب بنت علی بن ابی طالب و امها فاطمه بنت رسول الله صلوات الله علیهم اجمعین، و قالت: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی جدی سید المرسلین، صدق الله كذلك یقول: «ثم كان عاقبه الذين اساوا السوءى ان كذبوا بآيات الله و كانوا بها يستهزؤن».<sup>۶۵</sup>

### ۱۶- آیه وضع حمل

«و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهراً حتى بلغ اشده و بلغ اربعین سنه قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التي انعمت علی و علی والدی» (احقاف آیه ۱۵)

و ما انسان را در حق پدر و مادر سفارش کردیم که مادر چگونه با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نموده و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخوارگی بود، تا وقتی که طفل به حد رشد رسید [و فردی چهل ساله گشت]، [آن گاه شایسته است] بگوید: خدایا! مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی، توفیق شکرگذاری بده...

این آیه در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده و ائمه اطهار آترا به امام حسین علیه السلام تأویل نموده و به آن حضرت اختصاص داده اند. مفاد آیه و تأمل در زندگی امام حسین علیه السلام نیز گواه صدق آیه بر امام حسین علیه السلام است.

محمدبن یعقوب کلینی بعد از هفت واسطه از ابو خدیجه و او از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: وقتی فاطمه (س)، حسین علیه السلام را حامله شد، جبرئیل نزد رسول خدا آمد

و عرض کرد: یا رسول الله! فاطمه صاحب پسری خواهد شد که بعدها به دست امت تو کشته خواهد شد به همین منظور وضعیت فاطمه در حین آبستنی و نیز هنگام زاییدن با یک نوع ناراحتی روحی توأم بوده است.

عن ابی خدیجه عن ابی عبدالله علیه السلام قال لما حملت فاطمه علیه السلام بالحسین جاء جبرئیل الی رسول الله فقال تلد غلاماً تقتله امتک من بعدک، فلما حملت فاطمه بالحسین کرهت حملها و حین وضعته کرهت وضعه ثم قال ابو عبدالله لم تر فی الدنیا ام تلد غلاماً تکرهه و لکنها لما علمت انه سیقتل و فیه نزلت هذه الایه «و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرها و وضعته کرها و حملها و فصاله ثلاثون شهراً»<sup>۶۶</sup>.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید: مدت حمل (بارداری) حسین علیه السلام شش ماه بوده و دو سال شیرخوارگی او طول کشید. و این قول خداوند متعال است که فرمود: «و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرها و وضعته کرها و حملها و فصاله ثلاثون شهراً»<sup>۶۷</sup>.

مرحوم محدث بحرانی حدود ۱۳ روایت از ائمه اطهار علیه السلام به ویژه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که همه آیه را به امام حسین علیه السلام تطبیق و تفسیر کرده اند.<sup>۶۸</sup>

#### ۱۷- آیه نفس مطمئنه

«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» (فجر، آیات ۲۶-۳۰)

امام صادق علیه السلام نفس مطمئنه در این آیات از سوره فجر را امام حسین علیه السلام دانسته اند. عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالی «یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» یعنی الحسین بن علی علیه السلام<sup>۶۹</sup>. افزون بر این ائمه اطهار علیه السلام به خاطر همین حقیقت تمام سوره را سوره امام حسین علیه السلام معرفی کرده اند و بسیار سفارش نموده اند که شیعیان در نمازهای واجب و مستحب و سایر اوقات این سوره را تلاوت نمایند.

عن داود بن فرقد عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اقرؤا سوره الفجر فی فرائضکم و نوافلکم



فانها سورة الحسين بن على عليه السلام، من قرأها كان مع الحسين عليه السلام يوم القيامة فى درجته من الجنة ان الله عزيرحكيم.<sup>۷۰</sup>  
در ناسخ التواريخ نیز آمده است اینکه سوره فجر سوره امام حسين عليه السلام نامیده شده به این خاطر است که مصداق واقعی آیه شریفه «يا ايها النفس المطمئنه ارجعى...» وجود مبارک امام حسين عليه السلام است.<sup>۷۱</sup>

#### ۱۸- آیه منذر و هاد

«و يقول الذين كفروا لو لا انزل عليه آيه من ربه انما انت منذر و لكل قوم هاد» (رعد آیه ۷)  
پیامبر اکرم ص در تفسیر و تأویل این آیه بیانی دارد که به نوعی این آیه اشاره به امام حسين عليه السلام نیز می‌کند.

عن عبدالله بن عمر قال، قال رسول الله: بي انذرتهم و يعلى بن ابى طالب عليه السلام اهتديتم و قرء «انما انت منذر و لكل قوم هاد» و بالحسين عليه السلام اعطيتم الاحسان و بالحسين عليه السلام تسعدون او به تشقون. الا و ان الحسين عليه السلام باب من ابواب الجنة، من يابى حرم الله عليه ريح الجنة.<sup>۷۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۱۹- آیه کف يد از قتال و فرض جهاد

«الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه ... فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون الناس...» (نساء آیه ۷۷)

چندین روایت به اسناد مختلف از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام نقل شده است که قسمت اول آیه «الم تر الى الذين قيل لهم كفوالله» درباره امام حسن عليه السلام و قسمت دوم آن «... فلما كتب عليهم القتال» درباره امام حسين عليه السلام است که نحوه تعامل مسلمانان بعد از این دو دستور با امام حسن عليه السلام و امام حسين عليه السلام را بیان می‌کند.

حسن بن زياد عطار از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: سخن خداوند «كفوا ايديكم و اقيموا الصلوه» درباره امام حسن عليه السلام و امرش نازل شد (فلما كتب القتال)

درباره امام حسین علیه السلام نازل شد و واجب شد بر اهل زمین تا همراه ایشان قتال نمایند. ۷۳  
 عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال: والله! الذي صنعه الحسن بن علي عليه  
 السلام كان خيراً لهذه الامه مما طلعت عليه الشمس. فوالله لقد نزلت هذه الآية «الم تر الى الذين  
 قيل لهم كفوا ايديكم و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه» انما هي طاعه الامام فطلبوا القتال فلما كتب  
 عليهم القتال مع الحسين عليه السلام قالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب  
 نجب دعوتك و تتبع الرسل. أرادوا تأخير ذلك الى القائم. ۷۴

عن ابي عبدالله عليه السلام في تفسير هذه الايه «الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم و  
 اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال مع الحسين عليه السلام قالوا ربنا لم كتبت علينا  
 القتال...» ۷۵

#### ۲۰- آیه ردوا الى مولیهم

«ثم ردوا الى الله مولیهم الحق الاله الحكيم و هو اسرع الحاسبين» (انعام، آیه ۶۲)  
 داود بن فرقد نقل می کند که امام صادق علیه السلام آیه را درباره امام حسین علیه السلام  
 دانسته اند عن داود بن فرقد عن ابي عبدالله عليه السلام قال دخل مروان بن الحكم المدینه، قال  
 فاستلقى على السرير و ثم مولى للحسين عليه السلام فقال ردوا الى الله مولیهم الحق الاله  
 الحكيم و هو اسرع الحاسبين قال فقال الحسين عليه السلام لمولاه قال هذا حين دخل؟ قال  
 استلقى على السرير فقرأ «ردوا الى الله مولیهم الحق الاله الحكيم و هو اسرع الحاسبين» فقال  
 الحسين عليه السلام نعم و الله رددت انا و اصحابي الى الجنة و رد هو و اصحابه الى النار. ۷۶

#### ۲۱- آیه وزر

«... و لا تكسب كل نفس الا عليها و لا تزر وازره وزر اخرى...» (انعام آیه ۱۶۴)  
 امام رضا علیه السلام آیه را اشاره به امام حسین علیه السلام دانسته اند، لذا در تفسیر آن  
 می فرمایند: عن عبدالله بن صالح قال قلت لابي الحسن عليه السلام ما تقول في حديث يروى  
 عن الصادق عليه السلام انه اذا خرج القائم قتل ذرارى قتله الحسين عليه السلام بفعال آبائها؟  
 فقال عليه السلام هو كذلك، قال قلت قول الله «و لا تزر وازره وزر اخرى» ما معنا؟ قال

صدق الله تعالی فی جمیع اقواله و لکن ذراری قتله الحسین علیه السلام یرضون بفعال آبائهم و یفتخرون بها و من رضی شیئاً کان کمن اتاه و لو أن رجلاً قتل بالمشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان الراضی عندالله شریک القاتل...<sup>۷۷</sup>

## ۲۲- آیه ذبح عظیم

«و فدیناه بذبح عظیم و ترکنا علیه فی الاخرین» (صافات آیه ۱۰۶ و ۱۰۷)

امام رضا علیه السلام ذبح عظیم را به امام حسین علیه السلام و شهادت آن امام عظیم تفسیر و تأویل می فرمایند.

فضل بن شاذان نقل می کنند که از امام رضا علیه السلام شنید که فرمود «هنگامی که خداوند به ابراهیم امر نمود که به جای اسماعیل کبش نازل شده از آسمان را ذبح نماید، ابراهیم علیه السلام آرزو نمود ای کاش امر به ذبح کبش نمی شد تا اسماعیل را ذبح می نمود و در نتیجه قلبش آکنده از درد ذبح پسر به دست پدر می شد و در ازای آن خداوند به خاطر این مصیبت و درد شدید قلبی بالاترین درجات را بوی عطا می نمود. پس خداوند به ابراهیم وحی نمود، ای ابراهیم کدام یک از مخلوقاتم را بیشتر دوست می داری؟ ابراهیم پاسخ داد، هیچ کدام از مخلوقات پیش من محبوبتر از محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست. خداوند با وحی پرسید، ای ابراهیم! وی را بیشتر دوست می داری یا خودت؟ ابراهیم گفت قطعاً او را از خودم بیشتر دوست می دارم. خداوند پرسید، آیا فرزند خودت را بیشتر دوست داری یا فرزند او؟ ابراهیم پاسخ داد قطعاً نزد من فرزند او محبوبتر است. خداوند باز سؤال کرد، ای ابراهیم! اگر فرزند او و فرزند تو هر دو در راه اطاعت من به دست ظالمان کشته شوند، قتل کدام یک قلب تو را بیشتر به درد می آورد، و آکنده از رنج و درد می کند؟ ابراهیم پاسخ داد: قطعاً قتل فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس خداوند فرمود: ای ابراهیم! بدان گروهی که گمان می کنند از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند در آینده حسین علیه السلام فرزند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در اطاعت من به ظلم و جور می کشند همانگونه که کبش می کشند و در اثر این ظلم مستوجب سخط و غضب من می شوند. ابراهیم با این خبر به گریه و ناله افتاد و قلب او آکنده از درد و رنج عظیمی شد. وحی آمد که ابراهیم! جزع و آلام قلبی تو برای حسین علیه

السلام فدیة فرزند تو شد و به این سبب تو بالاترین درجات ثواب را بر مصائب حسین علیه السلام بردی و این است قول خداوند فرمود «و فدیناه بذبح عظیم».<sup>۷۸</sup>  
 برخی از دانشمندان بدون تمسک به روایت بلکه با تحلیل سوره فجر و در پرتو تفسیر قرآن به قرآن نیز اثبات کرده اند که ذبح عظیم در این آیه چیزی جز امام حسین علیه السلام نمی باشد.<sup>۷۹</sup>

### ۲۳- آیه کلمه باقیه

«و جعلها کلمه باقیه فی عقبه لعلمهم یرجعون» (زخرف ۲۸)

روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام سجاد علیه السلام، امام باقر و امام صادق علیه السلام نقل شده که آن معصومین آیه را مربوط به امامت امام حسین علیه السلام و سایر ائمه بعد از امام حسین علیه السلام دانسته اند. در این روایات ضمیر «ها» در «جعلها» به امامت و ضمیر در عقبه به امام حسین علیه السلام ارجاع داده اند. و بدین شکل آیه شریفه را بر امام حسین علیه السلام تأویل نموده اند.

عن ابی هریر، قال سئلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن قوله عز وجل «جعلها کلمه باقیه فی عقبه» قال جعل الائمة فی عقب الحسين علیه السلام یخرج من صلبه تسعه من الائمة و منهم مهدی هذه الامة...<sup>۸۰</sup>  
 عن الصادق علیه السلام قال المفضل فقلت یابن رسول الله فأخبرنی عن قول الله «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه» قال یعنی بذلك الامامه جعلها فی عقب الحسين علیه السلام الی یوم القیامه.<sup>۸۱</sup>

عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عز وجل «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه فقال فی عقب الحسين علیه السلام فلم یزل هذا الامر منذ افضی الی الحسين علیه السلام ینتقل من ولد الی ولد لا یرجع الی اخ و لا عم و لم یتم بعلم احد منهم الا وله...<sup>۸۲</sup>

### ۲۴- آیه لؤلؤ و مرجان

«مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان یخرج منها اللؤلؤ و المرجان» (الرحمن، آیه ۱۹- ۲۲)  
 روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و از امام صادق علیه

السلام به طرق مختلف نقل شده و طبق سخن بزرگان و تفسیر مفسرین بزرگی چون ابن عباس، ابی سعید، ابوذر، سلمان فارسی، سعید بن جبیر، سفیان ثوری و ابی نعیم مراد آیه از مرجان امام حسین علیه السلام است، کما اینکه مراد از بحرین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و لؤلؤ امام حسن علیه السلام است.<sup>۸۳</sup>

جابر جعفی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت درباره آیه فرمود «مرج البحرین یلتقیان» قال: علی علیه السلام و فاطمه (س) و «بینهما برزخ لا یبغیان» قال لا یبغی علی علیه السلام علی فاطمه (س) و لا فاطمه (س) یبغی علی علیه السلام «یخرج منها اللؤلؤ والمرجان» قال الحسن و الحسین علیهما السلام.<sup>۸۴</sup>

#### ۲۵- آیه مؤوده

«و اذا المؤوده سئلت بای ذنب قتلت...» (تکویر آیه ۹)  
امام صادق علیه السلام آیه را مربوط به امام حسین علیه السلام دانسته و می‌فرماید: آیه درباره امام حسین علیه السلام نازل شده و از قتل او سؤال می‌شود که به کدامین گناه او را کشتید.  
عن اسماعیل بن جابر عن ابی عبدالله علیه السلام قال، قلت: قوله عزوجل «و اذا المؤوده سئلت بای ذنب قتلت» قال الحسین علیه السلام.  
عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله عزوجل «و اذا المؤوده سئلت بای ذنب قتلت» قال نزلت فی الحسین بن علی علیه السلام.<sup>۸۵</sup>

#### ۲۶- آیه نور

«الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانه کوکب دری...» (نور آیه ۳۱)

صالح بن سهل همدانی از امام صادق علیه السلام و علی ابن جعفر از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند که «المصباح فی زجاجه» یعنی امام حسین علیه السلام البته در روایت دیگری که جابر بن عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند. آن حضرت فرمود است که مراد آیه از زجاجه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

به هر حال در آیه شریفه نور بر اساس تأویل و تفسیر ائمه هدی نام امام حسین علیه السلام آمده است و مربوط به ایشان نیز می‌باشد.

عن صالح بن سهل الهمدانی قال ابو عبدالله عليه السلام في قوله عز وجل الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكوه فاطمه عليها السلام «فيها مصباح» الحسن «المصباح في زجاجة» الحسين عليه السلام «الزجاجة كانها كوكب دري» فاطمه عليها السلام فكوكب دري بين نساء اهل الدنيا توقد من شجره مباركه...<sup>۸۶</sup>

على بن جعفر قال سئلت ابا الحسن عليه السلام عن قوله عز وجل «..كمشكوه فيها مصباح المصباح...» قال المشكوه فاطمه عليها السلام كوكباً درياً بين نساء العالمين و المصباح الحسن و الحسين عليه السلام...<sup>۸۷</sup>

## ۲۷- آیه اولوالارحام

«النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله...» (احزاب آیه ۶)

معصومین در روایات متعددی فقره «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض» در آیه شریفه رابه امام حسین علیه السلام اختصاص داده و فرموده اند در اولاد ایشان جاری است.

عن عبدالرحیم عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عز وجل «النبی اولی بالمؤمنین...»، فقال نزلت فی الامر. ان هذه الایه جرت فی ولد الحسین علیه السلام من بعد فتحن اولی بالامر و برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من المؤمنین و المهاجرین و الانصار. فقلت فلولد جعفر فیها نصیب؟ فقال لالله فقلت هل لولد الحسن علیه السلام فیها نصیب؟ فقال لا والله یا عبدالرحیم، ما لمحمدی فیها نصیب غیرنا.<sup>۸۸</sup>

عن ابی عبدالله علیه السلام قال لا تعود الامامه فی اخوین بعد الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام ابدأً اما جرت من علی بن الحسین علیه السلام كما قال الله و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله فلا تكون بعد علی بن الحسین الا فی الاعقاب و اعقاب الاعقاب.

قال الحسین بن علی علیه السلام انزل الله تبارک و تعالی هذه الایه «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله» سئلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن تأویلها؟ فقال و

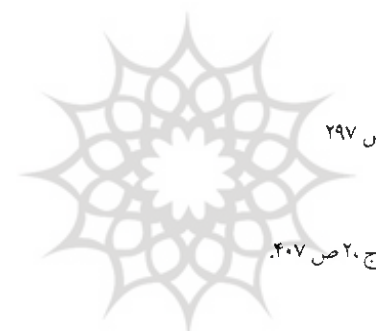
الله ما یعنی بها غیرکم و انتم اولوا الارحام...

عن عبدالرحمن بن روح القصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال انه سئل عن قول الله عزوجل «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله من المؤمنین و المهاجرین.» قال نزلت فی ولد الحسین علیه السلام قال قلت جعلت فداک نزلت فی الفرائض؟ قال: لا، قلت ففی الموارث؟ فقال: لا، نزلت فی امره.<sup>۸۹</sup>

### پی نوشت ها

- ۱- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۳۴ و ۳۳۵
- ۲- ر. ک: تفسیر تعلیمی و کشف الاسرار
- ۳- ر. ک: البرهان و نور الثقلین
- ۴- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۸ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۳۷
- ۵- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۸
- ۶- ر. ک: پیشین و بصائر الدرجات و منهج الصادقین و نور الثقلین
- ۷- البرهان، ج ۲، ص ۲۹۱ و تفسیر علی ابن ابراهیم
- ۸- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۹۲
- ۹- ر. ک البرهان، ج ۲، صص ۱۲۲-۱۲۴
- ۱۰- البرهان، ج ۲، ص ۳۵۱
- ۱۱- البرهان ج ۳ ص ۳۶۲-۳۶۵ و ر. ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲، ص ۴۶ و بحار ج ۱۵، صص ۲۳-۲۱۷ و وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۹
- ۱۲- البرهان ج ۴، صص ۲۳-۳۵
- ۱۳- البرهان ج ۱، ص ۳۲۹
- ۱۴- البرهان ج ۱، ص ۳۶۴
- ۱۵- البرهان ج ۴، ص ۲۴۱
- ۱۶- البرهان، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۵
- ۱۷- مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۰
- ۱۸- المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۹ و البرهان، ج ۳، ص ۵۲
- ۱۹- بحار، ج ۴۵، ص ۱۶۶ و ۱۵۵ و ۱۲۹ و احتجاج، ص ۱۵۷ و الملهوف، ص ۱۵۶
- ۲۰- ر. ک: نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۷ و در المنثور، ج ۱، ص ۱۴۷ و البرهان، ج ۱، ص ۸۶
- ۲۱- ر. ک: التفسیر و تفسیر بیان و روح الجنان و البرهان از خاصه و مفاتیح الغیب و اسباب النزول از عامه.
- ۲۲- البرهان ج ۱، ص ۱۴۷
- ۲۳- (البرهان، ج ۴، ص ۴۵۷
- ۲۴- البرهان ج ۲، ص ۳۲۱

- ۲۵- البرهان، ج ۱، ص ۳۹۲ و ۳۹۳
- ۲۶- البرهان ج ۳، ص ۲۱۷
- ۲۷- تفسیر البرهان ج ۲، ص ۴۱۸
- ۲۸- تفسیر علی بن ابراهیم قمی و البرهان ج ۲ ص ۴۱۸
- ۲۹- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸ و البرهان، ج ۲، ص ۴۱۸
- ۳۰- البرهان، ج ۲، ص ۴۱۹
- ۳۱- تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۶ و بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۸
- ۳۲- بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۷ و البرهان، ج ۱، ص ۱۹۱
- ۳۳- البرهان، ۱، ص ۱۹۱
- ۳۴- البرهان، ج ۱، ص ۱۹۱
- ۳۵- البرهان، ج ۱، ص ۱۲۴
- ۳۶- البرهان، ج ۳، ص ۹۳
- ۳۷- همان
- ۳۸- همان، ص ۹۴ و بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۷
- ۳۹- البرهان، ج ۳، ص ۹۴
- ۴۰- البرهان، ج ۳، ص ۹۴
- ۴۱- بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۷ و البرهان، ج ۲، ص ۴۰۷
- ۴۲- البرهان، ج ۲، ص ۴۰۶
- ۴۳- البرهان، ج ۲، ص ۴۰۸
- ۴۴- همان
- ۴۵- البرهان، ج ۳، ص ۲۳۹
- ۴۶- البرهان، ج ۲، ص ۴۰۸ و ج ۳، ص ۲۳۹
- ۴۷- البرهان، ج ۴، ص ۱۰۱
- ۴۸- بحار، ج ۴۵، ص ۲۹۸ و البرهان، ج ۴، ص ۱۰۰
- ۴۹- البرهان، ج ۴، ص ۱۰۱ و ص ۴۲۴
- ۵۰- بحار، ج ۴۵، ص ۲۱۱ و البرهان، ج ۳، ص ۴
- ۵۱- البرهان، ج ۳، ص ۵
- ۵۲- بحار، ج ۴۵، ص ۲۱۸
- ۵۳- الفردوس از دیلمی به نقل از البرهان، ج ۳، ص ۵
- ۵۴- بحار، ج ۴۵، ص ۲۰۹ و البرهان، ج ۴، ص ۱۶۱
- ۵۵- بحار، ج ۴۵، ص ۲۰۱
- ۵۶- البرهان، ج ۴، ص ۱۶۱ و ۱۶۲
- ۵۷- البرهان، ج ۴، ص ۱۶۱
- ۵۸- البرهان، ج ۳، ص ۱۶۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- ۵۹- آغاز جزء پنجم از صحیح مسلم به نقل از بحار ج ۴۵ ص ۲۱۷.
- ۶۰- بحار، ج ۴۵، ص ۸۰.
- ۶۱- بحار، ج ۴۵، ص ۳۱.
- ۶۲- بحار، ج ۴۵، ص ۳.
- ۶۳- بحار، ج ۴۵، ص ۱۳۳ و ص ۱۵۸.
- ۶۴- بحار، ج ۴۵، ص ۱۵۷.
- ۶۵- بحار، ج ۴۵، ص ۱۵۷.
- ۶۶- البرهان، ج ۴، ص ۱۷۲.
- ۶۷- البرهان، ج ۴، ص ۱۷۳.
- ۶۸- البرهان، ج ۴، صص ۱۷۲ و ۱۷۴.
- ۶۹- البرهان، ج ۴، ص ۵۸ و مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۱۴.
- ۷۰- مجمع البیان، کنز الفوائد، منهج الصادقین، البرهان، ج ۴، ص ۴۵۶.
- ۷۱- ناسخ التواریخ
- ۷۲- البرهان، ج ۲، ص ۲۸.
- ۷۳- البرهان، ج ۱، ص ۳۹۵.
- ۷۴- البرهان، ج ۱، ص ۳۹۴.
- ۷۵- همان ص ۳۹۵.
- ۷۶- البرهان، ج ۱، ص ۵۲۹.
- ۷۷- البرهان، ج ۱، ص ۵۶۸.
- ۷۸- البرهان، ج ۴، ص ۳۰ و عیون و اخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۲۶.
- ۷۹- ر. ک. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، ص ۳۳۹.
- ۸۰- البرهان، ج ۴، ص ۱۴۰.
- ۸۱- البرهان، ج ۴، ص ۱۳۸.
- ۸۲- البرهان، ج ۴، ص ۱۳۸.
- ۸۳- البرهان، ج ۴، ص ۲۶۵ و ۲۶۷.
- ۸۴- همان
- ۸۵- البرهان، ج ۴، ص ۴۲۲.
- ۸۶- البرهان، ج ۳، ص ۱۳۳.
- ۸۷- البرهان، ج ۳، ص ۱۳۶.
- ۸۸- البرهان، ج ۳، ص ۲۹۱.
- ۸۹- البرهان، ج ۳، ص ۲۹۳.



پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني